

پدیده جهانی شدن؛ فرصت‌ها و چالش‌های آن برای بازارهای جهانی نفت



وزیر محترم اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در سخنرانی افتتاحیه یازدهمین کنفرانس بین‌المللی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی نقطه نظرات خود در خصوص بحث امنیت انرژی را مطرح نمود. آنچه در ادامه می‌آید مشروح متن سخنرانی جناب آقای دانش جعفری در این کنفرانس است:

در ابتدا مایلم از برگزارکنندگان این همایش به ویژه مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی تشکر کنم و به شرکت‌کنندگان در همایش بخصوص میهمانان عزیز خوش آمد بگویم. امیدوارم مباحثی که در این همایش مطرح می‌شود و نیز ملاقاتها، مذاکرات و دیدارهای جنبی آن برای شرکت‌کنندگان در همایش مفید و پرثمر باشد. بدون تردید، حضور مقامات ملی و بین‌المللی، اساتید دانشگاه، متخصصین و مدیران شرکتها در کنار یکدیگر و بحث و تبادل نظر در زمینه مقوله مهمی مانند تحولات بازارهای جهانی نفت و گاز و فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو، می‌تواند دستاوردهای بسیار مفیدی را در پی داشته باشد. در این فرصت تمایل دارم درخصوص پدیده جهانی شدن و فرصت‌ها و چالش‌های آن برای بازارهای جهانی نفت و گاز مطالبی ارائه نمایم.

حضر محترم

جهانی شدن به عنوان پدیده‌ای رو به گسترش و با ابعاد مختلف، بر جوانب مختلف زندگی بشری سایه گسترانیده و با توجه به گستره و عمق موضوعی و اثرات عینی که دربردارد، تعریف جدیدی از روابط و مفاهیم، ارائه داده و ساختارها را دچار تغییر نموده است.

امروزه از جهانی شدن بعنوان پدیده‌ای ناگزیر یاد می‌شود که روابط تولید، روابط مالی، روابط دولتها، رابطه ملت-دولت و ویژگی‌های فرهنگی را دستخوش تغییر می‌نماید. در این میان به نظر می‌رسد جهانی شدن در فزای اقتصادی پیشگام‌تر از سایر زمینه‌ها روبه پیشرفت و تکامل دارد و در این مورد نیز در عرصه‌هایی دارای عمق و گستردگی بیشتری است که تکنولوژی و سرمایه برتر و بیشتری را طلب می‌نماید.

جهانی شدن همراه با تهدیدها و فرصتهایی است. تهدید از آن رو که ناشناخته‌های آن زیاد است و برخی از نمودهای آن از قبیل تجارت انسان و اجزای بدن آن، تخریب محیط‌زیست، تروریسم بین‌المللی، قاچاق مواد مخدر، تشدید تضادهای قومی و نژادی، بحران بدهی‌ها و نتایج مخرب سیاستهای تعدیل اقتصادی، مشکلات عدیده‌ای را برای انسان دربردارد و فرصت از آن جهت که می‌تواند نویدبخش تحقق هر چه بیشتر فردیت انسان و آزادی اندیشه و تحرکات اجتماعی، افزایش آگاهی جمعی، تبادل وسیع و کمتر قابل کنترل اطلاعات، کشفیات جدید علمی، انتقال آزادتر نیروی کار، سرمایه و تکنولوژی و... باشد. به عبارتی شاید همانا اساسی‌ترین مشخصه جهانی شدن، ابهام‌آمیز بودن آن باشد. اما هرچه هست، تلاش برای شناخت و درک ابعاد مختلف آن، از اهم وظایف برنامه‌ریزان، سیاستمداران، سیاست‌گذاران و اندیشه‌ورزان جامعه جهانی است و تبیین چپستی آن شاید یکی از مهمترین فرآیندهای تلاش برای آگاهی یافتن از مسیر حرکت جوامع بشری به‌شمار آید.

جهانی شدن، خصلت سرمایه است و سرمایه از بدو پیدایش، این تمایل و جهت را داشته و در این مرحله نیز از فرم ملی رها و به فرم فراملی درآمده است. از طرفی عقلانیتی نیز در این فرآیند تحول وجود دارد که مسیر را هموار کرده و ابزار کار را فراهم می‌نماید. عقلانیتی که این فرآیند را مدیریت می‌کند به بزرگی تمامی مغزهای انسانی است، حتی مغزهایی که منتقد و مخالف آن هستند. بنابراین، جهانی شدن از یک سو یک پروسه (فرآیند) است که باید طی شود و از طرف دیگر پروژه‌ایست که هدایت می‌شود.

خانم‌ها، آقایان

در روند جهانی شدن، رقابت از حالت ملی به بعد فراملی گسترش می‌یابد و شرکتها و دولتها برای افزایش توان رقابت خود در سطح جهانی به پیوندهای منطقه‌ای (درمورد کشورها) و ادغام فعالیتها و اتحادهای استراتژیک (عمدتاً درمورد شرکتها) روی می‌آورند. آنها برای گذار از سطح داخلی به سطح جهانی ناچار به روی آوردن به این ارتباطات هستند، زیرا پرش از اقتصادهای ملی به اقتصاد واحد جهانی غیر ممکن است. در نتیجه، جبهه‌های تجاری منطقه‌ای که پلکان فرآیندی تکاملی به سوی یک اقتصاد جهانی هستند، در حال رخ‌نمودن می‌باشند، در این پیمانها، کشورها با هدف ارتقاء توانمندی خود، وارد رقابت‌های جهانی می‌شوند، تشکیل اتحادیه اروپا یکی از بارزترین این گونه پیوندهاست.

معاهدات بین‌المللی، سیاستهای اقتصادی، تجاری، تولیدی و زیست‌محیطی، کشورها را تحت تأثیر قرار داده و آزادی عمل کشورها

را در زمینه بهره‌برداری از منابع طبیعی، قوانین مالیاتی، برنامه‌ریزی صنعتی و تجاری محدود ساخته است.

با توجه به نقش گسترده نفت در نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورهای دارنده ذخائر نفت و گاز جهان به‌ویژه در کشورهای خاورمیانه، می‌توان پیش‌بینی نمود که جهانی شدن، تأثیرات قابل توجهی بر روابط و ساختارهای موجود این کشورها در حیطه‌های گوناگون داشته باشد.

عالیجنابان، حضر محترم

صنعت نفت بعنوان پیش‌قراول صنایع مختلف از نظر جذابیت سرمایه‌گذاری در قرن گذشته، برتری خود را مدیون گرایش به بیرون از مرزهای ملی است. ویژگی جهانی بودن این صنعت، بیشتر بواسطه پراکندگی منابع در مناطق جغرافیایی مختلف و بخصوص در کشورهایی که خود کمتر سهمی از تکنولوژی پیچیده اکتشاف و استخراج نفت داشتند و تمرکز تکنولوژی در خارج از آن حوزه‌ها، می‌باشد. این ویژگی باعث گرایش دو سویه برای بسط مناسبات جهانی در این عرصه شده است. از یک طرف صاحبان منابع نفتی بدلیل نیاز مالی، عملاً مجبور به بهره‌برداری از این منابع بوده و از طرف دیگر شرکتهای دارای تکنولوژی و سرمایه نیز با انگیزه کسب سود و دسترسی به منابع انرژی، به شدت تمایل به حضور بر سر این منابع داشته‌اند و همین دوسویه بودن ارتباط، مفهوم جهانی شدن این صنعت را هر چه بیشتر شکل داده است.

روند تولید و صدور نفت طی دهه‌های پایانی قرن گذشته بیانگر گرایش روبه بیرون این صنعت است. سهم صادرات نفت از تولید که در سال ۱۹۸۰ حدود ۵۱ درصد بود، در سال ۲۰۰۵ به بیش از ۶۱ درصد افزایش یافت. نرخ رشد صادرات نسبت به نرخ رشد تولید نیز در این مدت، رقم بالاتری را به خود اختصاص داده است.

لازم به ذکر است که با توجه به پیش‌بینی‌های مختلفی که در مورد حجم ذخایر نفتی جهان و روبه اتمام بودن ذخایر نفتی متعارف دریای شمال و آمریکای شمالی ارائه می‌شود، در آینده نیز شاهد افزایش نسبت صادرات به تولید خواهیم بود، زیرا عمده‌ترین دارندگان ذخائر نفتی جهان که در خاورمیانه قرار دارند، نقش بیشتری در تأمین نفت مورد نیاز دنیا به‌عهده خواهند گرفت و لذا عمده افزایش تولید این کشورها به صادرات اختصاص خواهد یافت. در واقع با تغییر مناطق جغرافیایی تولید، موضوع صادرات اهمیت بیشتری می‌یابد و در این ضمن کشورهای صادرکننده نفت خاورمیانه نیز از این طریق هر چه بیشتر با اقتصاد جهانی گره خواهند خورد و دولت‌های دارای منابع، با توجه به احساس نیاز به بهره‌برداری گسترده‌تر از منابع نفتی خود، به مشارکت و همکاری بیشتری با شرکتهای معظم بین‌المللی روی خواهند آورد.

عالیجنابان، خانم‌ها، آقایان

یکی از موضوعات مهم در زمینه جهانی شدن، بحث مربوط به تحرک دارایی‌ها و سرمایه و تجارت بین‌المللی است. یکی از مهمترین وجوه تحرک دارایی‌ها در قالب ادغامها تبلور می‌یابد که در عرصه اقتصاد جهانی به شدت افزایش یافته و همراه و متناظر با آن، صنعت نفت نیز دارای تحولاتی متناسب با آن بوده است. برخی از بزرگترین ادغامها در صنعت نفت روی داده، به‌گونه‌ای که شرکتهای نفتی را در رده بزرگترین شرکتهای جهان قرار داده است. روند ادغامها در کنار انواع همکاری‌های مشترک در عرصه بازار، بیشتر معنا پیدا می‌کند،

انتقال آزاد و بی‌حد و حصر دانش و اطلاعات از جمله ویژگی‌های آن محسوب می‌شود. می‌توان صنعت نفت را بعنوان صنعتی که از یک قرن گذشته جهانی شده معرفی نمود. این صنعت اینک جزء لاینفک دنیای جهانی شده جدید می‌باشد.

مطمئناً در آستانه قرن ۲۱ صنعت نفت نسبت به گذشته رقابتی‌تر می‌باشد. طی دو دهه گذشته رقابت در این صنعت افزایش یافته و احتمالاً در سالهای آینده این صنعت بطور فزاینده‌ای رقابتی خواهد شد. هم اکنون بازارهای انرژی بسیار گسترده‌اند و برای هر بازیگری بصورت بالقوه این امکان وجود دارد که در هر بخش از این زنجیره رقابتی فعالیت نماید. در این حال مقررات زدائی و حذف کنترل‌ها در سطح جهان، بر ارتقاء فضای رقابتی تمرکز یافته است.

در ارتباط با آینده نفت و جامعه جهانی، سناریوها و ریسک‌های مختلفی متصور است، اما آنچه مسلم است اینکه یکی از درس‌های تاریخ نفت، انتظار رخ نمودن وقایع غیر مترقبه است و فقط هنگامی کاملاً آشکار می‌شود که واقعه روی داده باشد. خشونت، جنگ، سوانح، تحولات تکنولوژیک، مشکلات سیاسی، الزامات اقتصادی، رویارویی‌های قومی، مذهبی، ایدئولوژیک و اجتماعی می‌توانند دست‌اندرکاران را غافلگیر کرده و بردسترسی به نفت اثرگذارند.

جهانی شدن از طریق تسریع در انتقال فن‌آوری‌های نوین تولید نفت و گاز، عامل مهمی در تقویت ظرفیت‌های فنی و اجرایی کشورهای در حال توسعه در این زمینه به شمار می‌آید. از آنجائیکه در اثر فرآیند جهانی شدن و با تغییر ترکیب تولیدکنندگان انرژی در دو دهه آتی، کشورهای توسعه یافته، نیازمند عرضه بیشتر انرژی از سوی کشورهای در حال توسعه بویژه کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه هستند، دلیل کافی برای انتقال فن‌آوری مذکور به این کشورها برای تامین تقاضای انرژی در سطح جهانی بوجود آمده است.

عالیجنابان، حضار محترم

یکی از مهمترین چهره‌های جهانی شدن، چهره تکنولوژیک آن است. سرعت در تحولات تکنولوژیک (از بعد کمی و کیفی) بخصوص در عرصه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، از بارزترین ویژگی‌های جهانی شدن است. اهمیت این جنبه از جهانی شدن بقدری است که برخی وجه عمده جهانی شدن را این وجه آن می‌دانند و حتی عصر حاضر را بنام عصر انفجار اطلاعات و یا عصر ارتباطات می‌شناسند، واقعیت نیز به نوعی تأکیدی بر این رویکرد دارد.

تکنولوژی در صنعت نفت در سه زمینه مصرف، تولید و بازاریا تاثیر خود را نشان می‌دهد. در زمینه مصرف، پیامدهای توسعه تکنولوژی در کاهش مصرف به‌ازای هر واحد تولید به خوبی مشهود است. میزان شدت انرژی طی ربع آخر قرن گذشته، ۷۵ درصد کاهش یافته است. در زمینه تولید، در دو عرصه اکتشاف و استخراج نیز ره‌آوردهای تکنولوژیک اولاً منجر به افزایش ذخایر و کاهش ریسک در اینگونه سرمایه‌گذاری‌ها شده و ثانیاً به افزایش نرخ بازیافت مخازن و کاهش هزینه‌های تولید در سالهای اخیر انجامیده است.

در عرصه اثرگذاری بر بازارها نیز تکنولوژی و بخصوص تکنولوژی ارتباطات، نقش مهمی ایفا کرده است، فعالیت بازارهای بورس تا حد زیادی مدیون این تکنولوژی است. بازارها با تکیه بر توانمندی تکنیکی در این عرصه، به‌سبب فعالیت‌های خود اقدام نموده‌اند. در بورس‌های بین‌المللی نفتی، ساعات امکان انجام معامله با استفاده از شبکه اینترنت به ۲۴ ساعت در شبانه روز افزایش یافته و بنیادهای تجارت الکترونیک در این عرصه، مکانیزم معاملات و بازار را در

زیرا در بسیاری از موارد که ادغامی صورت نگرفته، شاهد همکاری گسترده شرکت‌های نفتی در عرصه‌های مختلف و بخصوص حضور در بازارها و تجارت الکترونیکی هستیم. شرکت‌های نفتی با این ادغامها و هماهنگی بیشتر در فعالیتهای خود، توان رقابتی خود را نسبت به شرکت‌های دیگر در برابر دولتهای دارای منابع بشدت افزایش داده‌اند. با توجه به پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) که در ماه جاری میلادی منتشر شده، انتظار می‌رود تقاضای جهانی نفت خام از ۸۳/۶ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۵ با رشد سالانه‌ای معادل ۱/۳ درصد، به ۱۱۶/۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۰ افزایش یابد. پیش‌بینی می‌شود طی همین مدت تقاضای جهانی گاز طبیعی نیز از ۲/۸ تریلیون مترمکعب در سال به ۴/۷ تریلیون متر مکعب افزایش یابد.

بر مبنای این برآوردها، طی سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۳۰ بایستی حدود ۲۰ تریلیون دلار (به دلار سال ۲۰۰۵) در بخش انرژی سرمایه‌گذاری انجام شود تا این بخش بتواند نیازهای روزافزون جامعه بشری را برآورده نماید. در این میان بخش تولید نیرو به تنهایی حدود ۱۱ تریلیون دلار سرمایه جذب خواهد نمود.

بخش نفت و گاز نیز برای تامین تقاضای جهانی بایستی بتواند طی سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۳۰ به ترتیب ۴/۳ و ۳/۹ تریلیون دلار سرمایه جذب کند. به عبارتی طی این سالها بایستی به‌طور متوسط سالانه بیش از ۳۱۵ میلیارد دلار در بخش نفت و گاز جهان سرمایه‌گذاری انجام شود و گرنه جامعه جهانی با کمبود انرژی مواجه خواهد شد.

جهانی شدن با گسترش فعالیت شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز، نقش مهمی را در تامین منابع مالی و نیز فن‌آوری و مدیریت صنعت نفت و گاز در سطح جهانی از جمله صنعت نفت و گاز خاورمیانه ایفا می‌کند. از آنجائیکه منافع اقتصادی، نقش اصلی را در تعامل این شرکت‌ها با کشورهای در حال توسعه دارد، موانع سیاسی و فشارهای بین‌المللی دولت‌های غربی، کمتر می‌تواند باعث جلوگیری از تامین سرمایه و یا انتقال فن‌آوری نوین به صنعت نفت و گاز خاورمیانه گردد، لذا همکاری با این شرکت‌ها در فضای بین‌المللی موجود، از جمله بهترین روش‌ها برای تقویت ظرفیت‌های مالی و فنی صنعت نفت و گاز خاورمیانه به شمار می‌آید.

جمهوری اسلامی ایران بدرستی از امکانات، فن‌آوری و منابع مالی و مدیریتی گسترده شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز در توسعه و بهره‌برداری بهینه از ذخایر انرژی خود آگاهی دارد و بسترهای لازم را برای جلب همکاری‌های آنان فراهم می‌آورد. بدین منظور، قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و برخی مفاد آن به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید و نیز تفسیر موسعی که از اصل ۴۴ قانون اساسی صورت پذیرفت، راه جذب سرمایه خارجی را در بخش‌های مختلف اقتصاد به‌خصوص در صنعت نفت هموارتر خواهد نمود. به منظور اطمینان بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی از شرکت در فرآیندهای سرمایه‌گذاری در ایران، جمهوری اسلامی در حال حاضر به عنوان عضو ناظر در پیمان منشور انرژی (ECT) حضور دارد و در حال بررسی الحاق کامل به این پیمان بین‌المللی می‌باشد.

حضار گرامی

در آستانه قرن ۲۱، جهان نسبت به دنیایی که در دهه‌های گذشته وجود داشت، تغییر کرده است. تحولات تکنولوژیک، اقتصادی و سیاسی - اجتماعی، "دنیای جهانی شده" جدیدی را بوجود آورده‌اند که

معرض تغییر و تحولات اساسی دیگری قرار داده‌اند.

اثرات تکنولوژی در مجموعه صنعت نفت در راستای کاهش قدرت تولیدکنندگان نفت در بازار جهانی و ارزش نفت در مبادلات بوده و لازم است تولیدکنندگان برای عقب‌نماندن از این فرآیند، از تکنولوژی روز به‌انحاء مختلف و بخصوص در عرصه بازارها و مبادلات نفتی استفاده موثر بنمایند.

مجموعه تحولات در جنبه‌های مختلف صنعت نفت، بیانگر این امر است که سمت و سوی بازار به سمت رهاشدن قدرت قیمت‌گذاری و کنترل بازار از دست تولیدکنندگان می‌باشد. باتشدید فرآیند گرایش به خارج، طرف صاحب قدرت در عرصه تکنولوژی و سرمایه در این صنعت (که عمدتاً شرکتهای معظم نفتی هستند)، در راستای حضور گسترده‌تر و پیچیده‌تر در بازار به‌شدت فعال می‌باشد. ورود در عرصه ایجاد شرکت‌های تجارت الکترونیکی، به‌همراه دراختیار داشتن آخرین تکنولوژی‌های مصرف، تولید، پالایش و انتقال و همچنین توانمندی آنها در تأمین مالی طرحهای نفتی، به این مجموعه در مقابل کشورهایی که صاحب منابع‌اند، قدرت زیادی می‌بخشد و در آینده نیز با هر چه پیچیده‌تر شدن مناسبات در این عرصه و گسترش توانمندی‌هایی که اینک آنها جزو پیشقراولان آن هستند، این فرآیند تشدید خواهد شد.

آقای رئیس، خانم‌ها و آقایان

از آنجائیکه عدم تأمین تقاضای انرژی در دهه‌های آتی باعث ایجاد بحران در اقتصاد جهانی خواهد شد، تأمین تکنولوژی موردنیاز، سرمایه‌های لازم و منابع مالی برای افزایش تولید نفت و گاز منطقه خاورمیانه، نه تنها برای کشورهای درحال توسعه، بلکه برای تداوم رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته نیز یک ضرورت است. لذا انگیزه لازم برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز خاورمیانه وجود دارد و جهانی‌شدن از طریق تسریع در انتقال فناوری‌های نوین و جلب سرمایه و توانمندی‌های مدیریتی، عاملی مهم برای تقویت ظرفیت‌های فنی و اجرایی کشورهای درحال توسعه در این زمینه، به شمار می‌آید.

باتوجه به درهم تنیده‌شدن ارتباطات جهانی و وابستگی بیش از پیش کشورها و اقتصادهای جهانی به یکدیگر، جهانی‌شدن، فرصت‌ها و تهدیدهایی، پیش‌روی کشورهای درحال توسعه تولیدکننده و صادرکننده نفت و گاز جهان قراردادده است. این کشورها بایستی از تمامی فرصت‌ها بدون تردید و بدون تاخیر استفاده نموده و با همکاری یکدیگر، تهدیدها را دفع نموده و حتی به‌فرصتی مناسب تبدیل کنند.

در این راستا، برخی از مهم‌ترین چالش‌های عمده درحال رشدی که بازارهای جهانی انرژی در حال حاضر با آن روبه‌رو هستند، عبارتند از اینکه اولاً بایستی طی ۲ دهه آتی، حجم قابل توجهی ظرفیت جدید تولید نفت و گاز ایجاد شود تا رشد پایدار اقتصاد جهانی را تضمین نماید، ثانیاً این افزایش ظرفیت بایستی به اندازه‌ای باشد که ظرفیت مازاد تولید قابل‌اتکایی نیز برای بازارهای جهانی ایجاد نماید، تا نگرانی‌های بازار جهانی در خصوص امنیت عرضه انرژی، به حداقل ممکن کاهش یابد، زیرا در صورت نبود ظرفیت مازاد تولید قابل‌اتکا، بازارهای جهانی انرژی با نوسانات شدیدی روبرو خواهند بود. باتوجه به تمامی برآوردها و وجود ذخائر عظیم کشورهای خاورمیانه، قسمت عمده این افزایش ظرفیت تولید بایستی در کشورهای خاورمیانه‌ای عضو اوپک رخ نماید که در نتیجه سهم بازار این کشورها افزایش

خواهد یافت.

علیرغم وجود برخی نااطمینانی‌ها، تقریباً این اطمینان وجود دارد که در صورت عدم تحقق چنین افزایش ظرفیتی، هزینه‌های بلندمدت قابل‌توجهی متوجه اقتصاد جهانی و بالاخص مصرف‌کنندگان عمده انرژی جهان خواهد شد و طلایه‌های چنین وضعیتی طی چندسال آتی رخ خواهد نمود، هرچند نتایج اولیه آن با گذشتن قیمت نفت WTI از مرز ۷۰ دلار در هربشکه، مشاهده شد.

یکی از مهم‌ترین راهکارها برای غلبه بر بحران‌های آتی انرژی، تشویق تجارت آزاد و سرمایه‌گذاری در مناطق عمده تولیدکننده انرژی جهان و تشویق شرکت‌های معظم بین‌المللی در این تجارت و سرمایه‌گذاری در حد ممکن می‌باشد. اما سیاست‌های ایالات متحده و به‌خصوص تحریم‌های اقتصادی بر علیه برخی از تولیدکنندگان عمده نفت، این فرصت‌ها را بر باد داده‌است. علیرغم اینکه امریکا به عنوان بزرگترین مصرف‌کننده و واردکننده انرژی جهان، نیاز شدیدی به عرضه کافی و امنیت عرضه انرژی دارد، طی دو دهه گذشته، برخی از عرضه‌کنندگان عمده انرژی جهان را تحریم نموده و یا در تحریم این کشورها نقش رهبری داشته‌است. محدودیت‌های ایجاد شده توسط امریکا برای ایران، در حال حاضر و در گذشته برای عراق و لیبی، با سیاست امریکا جهت تنوع‌بخشیدن و افزایش عرضه جهانی نفت در تضاد می‌باشد، زیرا تمایل امریکا به تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی، به منظور کاهش خطر قطع جریان انرژی توسط گروه و یا منطقه‌ای خاص می‌باشد.

از طرفی، باتوجه به جهانی‌شدن اقتصاد و کاهش موانع موجود بر سر راه تجارت بین‌الملل، امکان موفقیت تحریم‌های اعمال‌شده به خصوص هنگامی که به صورت یک‌جانبه وضع شده باشد، کاهش یافته‌است. در مجموع، تحریم‌های یک‌جانبه در اقتصاد به شدت درحال تغییر و تحول جهانی، کاربرد خود را از دست داده و برای اعمال‌کننده چنین تحریم‌هایی، به شدت پرهزینه شده‌اند.

تحریم همه‌جانبه ایالات متحده بر علیه ایران توسط هم‌پیمانان اروپایی این کشور حمایت و دنبال نشد. این تحریم‌ها همانند هر تحریم دیگری، اثراتی بر کشور هدف داشت، هرچند که این اثرات کمتر از هزینه‌ای بود که این تحریم‌ها بر اقتصاد امریکا بر جای گذاشت.

در خصوص تحریم ایران، امریکا با مشکلات عدیده‌ای با هم‌پیمانان اروپایی خود مواجه شد، زیرا این کشورها، منافع استراتژیک و اقتصادی مهمی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه دارند.

یکی از هزینه‌های مستقیم اقتصادی امریکا از اعمال تحریم‌ها بر علیه ایران، عدم‌النفع تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران می‌باشد. مهم‌ترین زیان ناشی از تحریم سرمایه‌گذاری نفتی در ایران، به صورت زیان ناشی از عدم خرید نفت ایران و نیز الغای قرارداد کونوکو برای توسعه حوزه سیری در فلات قاره ایران می‌باشد و مورد دیگر نیز کاهش صادرات امریکا به ایران است.

این تحریم‌ها، جست و جوی کشورهای آسیای میانه و قفقاز را برای یافتن مسیرهای جایگزین صادراتی که وابستگی این کشورها را به روسیه کاهش دهد، با مشکل مواجه ساخته‌است. مسیر ایران کوتاه‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر برای انتقال نفت و گاز این کشورها به بازارهای جهانی انرژی می‌باشد ولی این مسیر باتوجه به تحریم‌های اعمال‌شده، دور از دسترس کشورهای آسیای میانه و قفقاز قرارگرفت، بنابراین، امکان فعلیت یافتن پتانسیل‌های تولید نفت و گاز این کشورها به آینده موکول شده و این کشورها مجبورند با صرف

نموده بود، در ۱۴ آوریل ۱۹۹۵ به عراق اجازه داده شد در چارچوب برنامه نفت در مقابل غذا، اقدام به صادرات نفت خام نماید که حجم این صادرات نیز در دوره‌های ۶ ماهه‌ی البته با توجه به شرایط بازار و عملاً توسط امریکا، مشخص می‌شد.

آقای رئیس، خانم‌ها و آقایان
علیرغم تمامی کارشکنی‌ها و مسائل ایجادشده توسط مقامات ایالات متحده، با اتکاء به توان و شایستگی متخصصان ایرانی و با کمک کشورهای دوست در منطقه و جهان، ایران بدنبال دستیابی به جایگاه شایسته خود در بازارهای جهانی انرژی می‌باشد و در این زمینه، چشم‌اندازهای روشنی را برای خود تصویر نموده‌است. بر اساس سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ خورشیدی، "ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و دارای تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل."

برای تحقق چشم‌انداز ملی در افق موردنظر، تصویر مطلوب صنعت نفت و گاز کشور عبارت خواهد بود از:

- اولین تولیدکننده مواد و کالاهای پتروشیمی در منطقه از لحاظ ارزش،
- دومین تولیدکننده نفت اوپک با ظرفیت تولید ۷ درصد از تقاضای بازار جهانی،
- سومین تولیدکننده گاز جهان با سهم ۱۰ درصد از تجارت جهانی گاز.

در این راستا، جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد تا در کنار کشورهای خاورمیانه و در مجموعه‌های بهم پیوسته با اتحادیه اروپایی و کشورهای آسیایی نظیر ژاپن، چین و هند، در زمینه جلب و جذب سرمایه و فناوری این کشورها به هدف توسعه منابع انرژی خود همراه با تامین تقاضای درازمدت انرژی این کشورها اقدام و همکاری نماید. تلفیق و دسترسی به سرمایه، فناوری و بازار در یک مجموعه، قطعاً منافع بلندمدت و پایدار هر دو طرف را تامین خواهد کرد و ما در این مورد آمادگی انجام مذاکره را برای حصول تفاهات لازم در سطوح سیاسی داریم.

متأسفانه موانعی که از سوی امریکا به شکل تحریم‌های یک‌جانبه و به انگیزه‌های سیاسی اعمال می‌گردد، علاوه بر مداخله در حرکت آزاد بازار سرمایه و فناوری، به محدودیت عرضه دامن می‌زند و مانع از ایجاد همکاری‌های بالادستی و سرمایه‌گذاری‌های پایین‌دستی و شکل‌گیری آزادانه و اقتصادی طرح‌های انتقال نفت و گاز می‌شود و در عین حال تولیدکنندگان را نیز به استفاده سیاسی از نفت تشویق می‌سازد و لازم است که این موانع هرچه زودتر برطرف شوند.

شایان توجه است که سیاست‌بازی و زمینه‌چینی ایالات متحده و متحدان استراتژیک این کشور بر علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، در حقیقت بازی با آتشی است که در صورت افروخته شدن آن، بازارهای جهانی انرژی با شرایط بسیار ناگواری مواجه خواهد شد و با سلب امنیت منطقه بسیار حساس خلیج فارس، زمینه انجام سرمایه‌گذاری‌های حیاتی موردنیاز، از میان خواهد رفت و در نهایت، این کشورهای بزرگ مصرف‌کننده و واردکننده نفت خواهند بود که هزینه این بازی را خواهند پرداخت و با کاشتن باد، طوفان درو خواهند نمود.

در خاتمه از اینکه با صبر و حوصله صحبت‌های اینجانب را مورد توجه قرار دهید، سپاسگزارم و امیدوارم اوقات خوش و پرثمری را در طول کنفرانس و درحاشیه آن سپری سازید.

هزینه بالاتری، تولید خود را به بازارهای هدف عرضه نمایند. هزینه دیگر امریکا از این تحریم‌ها این است که صنعت نفت ایالات متحده به عنوان یک شریک تجاری غیرقابل اعتماد شناخته می‌شود. امریکا در تمامی زمینه‌های مربوط به نفت از اکتشاف، حفاری و... تا بازاریابی و تجارت عملاً حرف اول را در صنعت نفت می‌زند ولی، قدرت رقابت تکنولوژی بی‌رقیب ایالات متحده با این حساب که هر نوع معامله و قراردادی با امریکا می‌تواند بدلائل مختلف سیاسی، به سرعت ملغی اعلام گردد، به شدت کاهش می‌یابد.

آخرین مسئله و شاید مهم‌ترین آن، هزینه تقابل منافع با سایر قدرت‌های جهانی است. ILSA در کنار قانون هلمزبرتون و برخی موارد دیگر، گواهی بر این مطلب است که امریکا سعی و اصرار دارد تا اروپا را به قبول مواضعی مجبور نماید که این کشورها تمایلی به اتخاذ آن ندارند.

این احساس ناعادلانه بودن فشارهای ایالات متحده، به روابط این کشور و متحدانش به شدت ضربه می‌زند و مانع اتخاذ مواضع مشترک در مسائل خاص خواهد شد. تهدید به اعمال مجازات شرکت‌هایی که در طرح‌های توسعه‌ای حوزه‌های جدید نفتی ایران سرمایه‌گذاری نمایند، باعث تشویق هم‌پیمانان اروپایی امریکا جهت همکاری نزدیک در راستای سیاست‌های ایالات متحده بر علیه ایران نشد. وضع قانون تحریم، اصطکاک منافع کشورهای دوسوی اقیانوس آتلانتیک را به خاطر اعمال قوانین ایالات متحده در خارج از مرزهای این کشور تشدید نمود و باعث تایید این ادعا شد که امریکا، قوانین سازمان تجارت جهانی (WTO) را نقض نموده است.

در مقابل، کاهش ظرفیت ناشی از این تحریم‌ها با توجه به محدودیت ظرفیت تولید اوپک، از رقابت مخرب بین اعضای این سازمان جلوگیری کرده و عامل مهم و کلیدی در حفظ مصالح تولیدکنندگان و به ضرر مصرف‌کنندگان انرژی خواهد بود، هرچند این اثرات به خودی خود باعث خواهد شد تا این تحریم‌ها به کلی از میان برداشته شوند، همانگونه که با حضور شرکتهای معظم خارجی و انعقاد قراردادهای متعدد با حجم بیش از ۳۰ میلیارد دلار و تعریف برنامه‌های متعدد توسعه حوزه‌های نفت و گاز کشور به خصوص مراحل متعدد حوزه پارس جنوبی، عملاً می‌توان شکست تحریم‌های اعمال شده بر ایران را اعلام نمود.

بنابراین هرچند این تحریم‌ها باعث محدود شدن ظرفیت تولید کشورهای هدف تحریم خواهد شد، ولی در مقابل با افزایش قیمت، درآمد این کشورها و در کل درآمد تولیدکنندگان نفت، افزایش چشمگیری خواهد یافت، به گونه‌ای که این افزایش قیمت‌ها، حتی می‌تواند کاهش درآمد ناشی از کاهش عرضه کشورهای هدف تحریم را جبران نماید.

بنابراین حتی اگر تحریم‌ها به صورت موثر و کارا اعمال شوند و به صورت کاهش عرضه این کشورها خود را نشان دهند، با افزایش درآمد این کشورها، این ابزار به ضد خود تبدیل خواهد شد و کاهش درآمد ناشی از کاهش عرضه، با هزینه مصرف‌کنندگان جبران خواهد شد و حتی در برخی موارد از نظر درآمدی، به نفع این کشورها خواهد بود.

به نظر می‌رسد که تحریم‌ها، ابزاری در دستان سیاست‌گذاران امریکا باشد. به این ترتیب که با این وسیله می‌تواند بازارهای جهانی انرژی را در کنترل خود داشته باشند. همانگونه که در مسئله تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل بر علیه عراق، پس از چند سال تحریم کامل این کشور که صادرات عراق را فقط به صادرات قاچاق محدود